

سازمان تعزیرات حکومتی و مفاهیم مشابه در فقه و تأثیر آن بر تخلفات اقتصادی

جلال دانشفر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

محمود قیوم زاده^۲*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

سعید عطازاده^۳

چکیده

افزایش جمعیت و تامین مایحتاج زندگی آنها با وجود زندگی ماشینی و تجمل گرایی و تولید متنوع محصولات خصوصا " در عرصه کالا و خدمات و افزایش تقاضا باعث گردیده برخی افراد سود جو خصوصا " در وضعیت بحرانی کشور بر مصرف کننده اجحاف نموده و مبادرت به گرانفروشی، کم فروشی و احتکار اجناس نماید برای مبارزه با این سوداگران می بایست که نهادی علاوه بر قوه قضائیه تشکیل شده که بطور سریع و جدی با آنها برخورد کند چرا که قوه قضائیه بدلیل افزایش پرونده های عمومی و تخصصی و رسیدگی به آنها در محاکم دادگستری نتوانسته است بطور سریع با آنها برخورد کند لذا به این منظور و در آغازین سالهای جنگ تحمیلی به لحاظ شرایط بحرانی حاکم بر اقتصاد کشور بحث تعزیرات حکومتی با اجازه حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام سازمان تعزیرات حکومتی به شکل امروزی براساس مصلحت تاسیس گردید پس از تشکیل این سازمان رسیدگی به بسیاری از جرائم اقتصادی به عهده این سازمان محول گردید. در طول این سالها، سازمان تعزیرات حکومتی با چالشهای مختلفی از سوی منتقدین خود همراه بوده است تا اینکه تصویب قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ و سکوت تشخیص مجمع مصلحت نظام در مقابل مجلس شورای اسلامی مبنی بر انتزاع صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به بخش خصوصی (اصناف) از سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان مزبور را با چالش جدی مواجه کرد اما دیری نپایید که ناکارآمدی هیات های رسیدگی کننده به تخلفات صنفی باعث تجدیدنظر مسئولان در احیاء مجدد صلاحیت های سازمان شد که این سازمان در سالهای بعد با مصوبات هیات دولت و اصلاح قوانین گذشته توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی واجد صلاحیتهای دیگری نظیر صلاحیت رسیدگی به اصناف و همچنین صلاحیت رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز، در کنار محاکم دادگستری شده است که علاوه بر اینکه صلاحیتهای آن توسعه یافته به این سازمان ارزش و اعتبار قانونی و حقوقی داده است.

^۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

^۲- استاد گروه فقه و مبانی حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول):

maarefteacher@yahoo.com

^۳- استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشگاه مطالعات ناجا (استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه)

saeidbahjat@yahoo.com،

یکی از مهمترین وظایف و مسئولیت های محوله به دولتها و حکومتها، تأمین امنیت اجتماعی و بویژه سلامت روابط اقتصادی و جلوگیری از تخلفات و نابسامانی های موجود در بازار و اوضاع و احوال حاکم بر داد و ستد مردم بوده است. دین مقدس اسلام با توجه به جامعیت خود از زمان ظهور در کلیه زمینه های اجتماعی از جمله امور اقتصادی سرآمد ادیان و حکومتها محسوب میگردد. به موازات توجه به نیازهای معنوی مردم، از ارائه و اعمال اصول و قواعد و مقررات اقتصادی نیز غفلت نورزیده و نسبت به آن از سوی نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی «ص» و امامان معصوم «ع» نیز مستمراً سفارشات و توجهات خاصی معمول گردیده است که همگی دلیل بر اهمیت موضوع اقتصادی و توجه به مسائل بازار و برخورد با متخلفین اقتصادی از ناحیه شرع مقدس میباشد. (قرآن کریم این کتاب روشنگر و هدایتگر بشر در ۱۴ قرن قبل این موضوعات را مورد اشاره قرار داده چنانکه در آیات آغازین سوره مبارکه المطففین به موضوع بسیار مهم و مبتلابه افراد جامعه امروزی اشاره نموده، در این سوره آمده «وای به حال کم فروشان آنان که چون به کیل «وزن» چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند» و یا در آیه ۳۵ سوره مبارکه اسراء می فرماید «و هر چه را به کیل یا وزن می سنجید تمام بیمائید و همه چیز را با ترازوی عدالت بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است.» وضع احکام راجع به احتکار که بازار مسلمین در صدر اسلام گرفتار آن بوده و در نظر گرفتن مجازات برای محتکران دلیل بر آن است. که در طول تاریخ محتکرین در رأس متخلفین اقتصادی بوده و هم اینان بوده اند که موجبات بحران، تزلزل و بی ثباتی وضع بازار و تشویق اذهان عمومی را فراهم مینموده اند کما اینکه همانکون نیز ماهیت عملشان به همان شکل است و تنها شیوه ها، روشها و ابزارهای مورد استفاده خود را با توجه به تکنولوژی و شرایط روز تغییر داده اند. در طول تاریخ قوانین متعددی در بابت تخلفات اقتصادی وضع گردیده اما در انقلاب اسلامی ایران و بعد از پیروزی انقلاب نیز به مبارزه با تخلفات اقتصادی همواره مورد توجه قرار گرفته و در مراحل و دوره های مختلف قوانین متعددی به تصویب رسیده بطوریکه در اوایل انقلاب صلاحیت رسیدگی به ستادهای مبارزه با گرانفروشی و قوه قضائیه و در سال ۶۷ به قوه مجریه و سازمان تعزیرات حکومتی محول گردیده و در طول این چند سال سازمان تعزیرات حکومتی با چالش های فراوانی مواجه بوده است لذا در این تحقیق سعی ما بر این است که ضمن ذکر مفهوم و پیشینه تعزیرات حکومتی صلاحیتهای آن و سپس نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی و پیشنهادهای جهت بهبود ضعف های آنها ارائه نماییم (عسگری عیسی آبادی، یوسف زاده، ۲-۴، ۱۳۹۴)

۱- مفهوم و تاریخچه تعزیرات حکومتی

۱-۱. مفهوم تعزیرات حکومتی

تعزیر را در لغت تادیب، و عقوبت و سزا و جزاء تعریف نموده‌اند و حکومت نیز مترادف دولت میباشد. از این رو تعزیرات حکومتی را م یباید به عنوان یکی از مصادیق مجازاتهای بازدارنده محسوب نمود. زیرا این مجازاتها، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت

اجتماع در قبالا تخلف از مقررات و نظامات تعیین میگردد. (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰). (بطور کلی مجازاتهای بازدارنده کیفر تخلف از جرایمی است که برحسب مقتضیات زمان و مکان وضع گردیده اند که اصطلاحاً تعزیرات حکومتی نامیده میشود و در مقابل تعزیرات شرعی قرار دارند که در زمان شارع وجود داشته و برای آنها کیفری از سوی حاکم در همان زمان تعیین شده است). (مهرپور، ۱۳۶۸، ص ۶۷-۱۳)

۱-۱-۱- مفهوم اصطلاحی :

تعزیرات حکومتی تادیب یا عقوبتی است که دولت جهت نظارت و کنترل فعالیتهای اقتصادی در خصوص متخلفین از قیمتگذاری، ضوابط توزیع، تولید کالا و قاچاقچیان کالا تعیین نموده است. مبنای تعزیرات حکومتی را باید در ضرورت ایجاد نظم و انضباط اقتصادی جامعه دانست. بنابراین، تعزیرات حکومتی را باید از جمله تدابیر سرکوبگر نظام کیفری ایران محسوب کرد که حاصل سیاستهای نوین قانونگذار در عرصه نظم بخشی به امور اقتصادی است. شایان ذکر است که با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۹/۷/۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی، اعم از بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه مجریه) محول گردید تا بر اساس قانون تعزیرات مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ اقدام گردد.

۲-۱- پیشینه تاریخی و موقعیت کنونی تعزیرات حکومتی

۱-۲-۱- پیشینه تاریخی

جستوجو در آثار و مدارک کهن برای ردیابی قوانین تعزیرات در ایران باستان، از آن جهت که شیوه تاریخنگاری ایران، به ویژه ایران باستان، شاه محور بوده است، بسیار دشوار است. به گواهی تاریخ، نخستین شکل-دهندگان، شاهنشاهی در ایران هخامنشیان بوده اند که تمدن ایشان وامدار تمدن کهن و پیشرفته بین النهرین، ایالم، سومر، آشور و بابل بوده است، پس شایسته است که تحقیق خود را با کاوشی درباره این تمدن آغاز کنیم. واضع اولین قانون به معنای رایج - حتی پیش از حمورابی - را باید «اروکوجینا» مؤسس سلسله سلاطین اور، (۲۱۱۱ تا ۲۰۹۴ ق.م) و بنیان-گذار تمدن اورک دانست؛ زیرا حمورابی بسیاری از قوانین عصر خود را از کتیبه دادگرانه این سلسله اقتباس کرده است. از جمله مواردی که میتوان در این کتیبه به آن اشاره نمود، مقررات مربوط به تنظیم اوزان و مقیاسها و کیفرهایی است که برای متخلفین پیشبینی نموده ان(گسن، ۱۳۷۰، ۲۱)د. بدینسان، حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ ق.) با تکیه بر قوانین پربار دیرینه، کار قانونگذاری را اعتلایی مثلاً زدنی بخشید. در کتیبه معروف حمورابی قوانین دقیقی برای مناسبات اقتصادی وجود دارد. او دستورهای روشنی برای انواع حق الزحمه ها، کرایه ها و ... بنیان نهاده و برای تخلفات اقتصادی مجازاتهایی منظور نموده است؛ به عنوان مثلاً، در ماده ۵۹، مجازات گرانفروشی در بعضی موارد، غرق کردن مختلف در آب تعیین شده است. (کریستن، ۱۳۵۱، ص ۱۹۲) با توجه به مدارک موجود تاریخی، هخامنشیان مبدع هیچگونه قانون جزایی منحصر بفردی برای حراست از ارکان اقتصادی اجتماع نبودند و بیش از تکرار همان الگوی کهن قوانین حمورابی کاری صورت ندادند. در دوره اشکانیان اقتصاد ایرانی از حوزه تولید زراعی به محدوده اقتصادی وارد شد و از این جاست که مفهوم نظارت بر بازار و قوانین تعزیراتی معنا پیدا میکند. در عهد ساسانیان به عنوان

وازابد یا بازاربد به معنای رئیس بازار برمیخوریم که نشان می‌دهد در آن زمان تشکیلاتی برای نظارت بر بازار و تجارت وجود داشته است. (آسوری کرمانی، ۱۳۳۶، ص ۲۲). پس از آن که در سال ۲۱ هجری، شاهنشاهی ساسانی به دست تازیان از پای درآمد، مردم ایران در حدود دو قرن از نعمت استقلال بی‌نصیب بودند. پس از روی کار آمدن صفاریان تبعیت ایرانیان از بغداد از میان رفت. در سال ۳۸۹ ه.ق اسماعیل سامانی پایه گذار سامانیان برای استقلال ماوراءالنهر و خارج شدن از زیر سلطه خلافت عباسی، سعی کرد تا حکومتی متمرکز به وجود آورد و با استفاده از ادارات و دیوانها به قلمرو خود نظم و قرار بخشید، در این دوره در شمار دستگاههای حکومتی به دیوان مستحب بر می‌خوریم. (ابراهیم، ۱۳۷۶، ص ۲۵۹.)

با توجه به تعریفی که پس از این در خصوص امر حسبه و محتسب به عمل خواهد آمد، روشن میشود دیوان محتسب در این دوره نیز ناظر بر بازار، اوزان و خرید و فروش کالاهای دهقانان و صنعتگران بوده و میتوانست از خرید و فروش کالاهای فاسد و تقلبی و از بالا رفتن قیمتها جلوگیری نماید. در آن دوره هر شهری محتسب خصوصی داشت. بدیهی است با توجه به انفاک دیوان مظالم و دیوان عدلیه و دیوان محتسب، وظائف محتسب از قاضی جدا بوده است. ویل دورانت در کتاب تمدن اسلامی ضمن بحث درباره تمدن اسلام، مینویسد: بهترین سازمان دولتی، دیوان خراج، حساب، پلیس، برید و مظالم (محکمه ای که احکام قاضی اداری از آن عرضه میشد) بوده پس میتوان نتیجه گرفت امر حسبه از امر قضا جدا بوده است. (مشایخی، ۱۳۸۵، ص ۳۶)

پس از پایان حکومت سامانیان و استقرار حکومت ترکان و غالمان (غزنویان) شکل حکومت سازمان اداری و قضایی ایران تغییر مهمی نکرد و سازمان اداری و تشکیلات سالجقه نیز همان تشکیلات حکومت سامانیان و غزنویان بود در دوره صفویان نیز موقعیت محتسب با دورانهای قبل تفاوت اساسی نکرد، تا آن جا که مأخذهای ایرانی و اروپایی بیان میدارند. محتسب مفتش بازار بوده، بدین سان محتسب اصفهان کارش نظارت بر بازار، صنفها و ثابت کردن قیمتها در روزهای شنبه بوده است، در این دوره محتسب کسانی را که بر خلاف قانون عمل میکردند فلک یا جریمه میکرد. با روی کار آمدن کریم خان زند نخستین دستور درباره امور اداری سازمانی (طبق نوشته رستم-التواریخ) در اصفهان صادر گردید که به موجب آن علاوه بر محاکم، هفت عامل دیگر جهت انجام امور گوناگون معین شدند. (راوندی، ۱۳۶۷، ص ۲۲)

این هفت عامل عبارتند از: وزیر، مستوفی، وکیل الرعایا، محصص، نقیب، کالتر و محتسب که طبق آنچه در تذکرهالملوک آمده، محتسب مسؤل نظارت بر نرخ اجناس بوده است؛ بدین معنا که ریش سفیدان هر صنف التزام قیمت میدادهاند (چیزی شبیه قیمت متعارف امروزی) و این التزام را عالی حضرت محتسب الممالک مهر میکرده است و محتسب حق داشت متخلفین از این نرخها را تخته کاله نماید. (راوندی، ۱۳۶۷، ص ۲۲). در دوره قاجار نیز این منصب به هستی خود ادامه داده و بنا به گفته لمبتن (Lambton) اداره احتساب در قلمرو قضائی اداره پلیس نبوده است. (فلور، پلیس بازار در دوره قاجار، سال انتشار ۱۳۶۵، مجموعه جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات نشر مرکز تهران، چاپ اول، ص ۱۹۲). در زمان حکومت پهلوی نیز علی رغم وابستگیهای اقتصادی و تسلط بیگانگان در این

کشور، تدوین موادی از این قوانین در این دوره خود حاکی از این است که گردانندگان حکومت به دنبال اهرم کنترل کننده تحت عنوان مجازاتهای قانونی در برخورد با متخلفین اقتصادی بوده‌اند. از این جمله به ماده ۱ قانون جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰ و تصویب قانون گرانفروشان در سال ۱۳۳۲ اشاره نمود. در سال ۱۳۵۱ به موجب قانون نظام صنفی اطاق اصناف تشکیل گردید، لیکن این قانون و نحوه اجرای آن نتوانست موفقیت چندانی کسب نماید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به بحرانی که در اثر تغییر حکومت در کشور به وجود آمده بود و ضرورت مقابله با سوء استفاده‌کنندگان اقتصادی شورای انقلاب مبادرت به تنظیم و تدوین قانون نظام صنفی نمود ولیکن در عمل این قانون هم نتوانست وضعیت بازار را بهبود بخشد، در نتیجه این عدم موفقیت، ستادهای مبارزه با گرانفروشان تشکیل شد که به همین دلیل عدم تخصص و دانش لازم در خصوص مسائل اقتصادی در بهبود و اوضاع نابسامان توفیق چندانی پیدا نکرد. (مهرپور، ۱۳۶۸، ص ۶۷-۱۳، طوسی، ۱۳۴۷، ص ۵۱ و ۵۲، ساکت، ۱۳۷۵، ص ۳۳)

۱-۲-۲. پیشنهاد تعزیرات حکومتی در اسلام

با نگاهی بر پیشنهاد تعزیرات حکومتی و سوابق آن در تاریخ اسلام، به امور حسبه (حسبه از لحاظ لغوی به معنای حسن تدبیر و نظر در امور است. این واژه از اصطلاحات حقوق اداری و به معنای خاص کلمه عبارت است از پلیس و مأمور بازار). در فقه اسلامی می‌رسیم که نشو و نماي آن از نخستین سالهای تشکیل دولت اسلامی با کنترل و نظارت بر بازارها آغاز گردید. مراقبت بر بازارها و تعزیر متخلفان از نخستین سالهای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه وجود داشته است و پیامبر اسلام (ص) شخصاً و گاهی با نصب اشخاص در امور بازار مسلمین نظارت میکرد. به همین جهت بعضی معتقدند که پیامبر اولین کسی است که نهاد حسبه را برای کنترل و نظارت بر بازار بوجود آورده و پیدایش حسبه به آن زمان نسبت داده شده است. (عجلانی، ۱۳۶۷، ص ۲۸۹).

بازار از نخستین عهد تاریخ دولت اسلامی تحت نظارت و کنترل بوده است. در سنن ترمذی از ابوهریره نقل شده که گفت: «رسول خدا (ص) مقداری گندم در دکانی دیدند، چون دستشان را در آن فرو بردند انگشتان حضرت تر شد، از صاحبش پرسید که این چیست؟ فروشنده جواب داد که باران خورده است حضرت فرمودند: چرا گندمهای مرطوب را در رو قرار ندادی تا مردم آنها ببینند؟ سپس گفتند: هر کس (در بیع و شراء) با مسلمانان تقلب کند از ما نیست. (سنن ترمذی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۹). بر اساس یک گزارش تاریخی آن حضرت پس از فتح مکه امر نظارت بر بازار مکه را بر عهده سعد بن العاص (که یکی از کاتبان قرآن در روزگار عثمان بود) و نظارت بر بازار مدینه را بر عهده عمر بن الخطاب واگذار نمود و در زمان خلیفه دوم به منظور نظارت بر کار فروشندگان زن، شفاء دختر عبداهلل از تیره قریش و سمراء دختر نهیک از تیره بنی اسد، عهده دار این وظیفه بودند. حضرت علی (ع) نیز خود در بازارها قدم میزد و گمراهان را ارشاد می‌فرمود و به فروشندگان فرمان می‌داد که کالاهای خوب و مرغوب عرضه دارند و از کمفروشی و تزویر در اوزان و پیمانها خودداری نمایند. آن حضرت اگر به تخلفی برمیخورد همان جا حکم را صادر و اجرا می‌نمود (دعائم الاسلام، ۱۳۴۶، حدیث ۱۹۱۳)

اندیشمندان مسلمان در باب حسبه و محتسب نظریات اندیشمندی را بیان نموده اند که به نحو اختصار به آن

اشاره مینماییم (فلور، ۱۳۹۱، ۱۳۶۵، ابن تیمیه، ۱۳۵۴، ص ۴۳) :

ابن اخوه (۶۴۸-۷۲۹ ه.ق) در کتاب معالم القریه، دستورالعملهای مورد نیاز اصناف دوره حیات خود را گردآوری نموده و با در نظر گرفتن و بهره‌جویی از دانش و فن حسبه نگاران قبل از خود، مطالب بسیار ارزندهای را به دست می‌دهد. برخی عناوین دستورات محتسبین طبق نوشته او عبارت است از :

در حسبه نانپزان و نانویان؛ در حسبه بر طبّاخان؛ در حسبه بر شیرفروشان؛ در حسبه بر خیاطان و ... که در تمامی آنها توجه به بهداشت و جلوگیری از اتلاف مال مردم، ممانعت از گرانفروشی و احتکار، ایجاد دفاتر ثبت و نمونه کالاها با رعایت دقیق آداب اسلامی و شعائر دینی به چشم می‌خورد .

همچنین نظارت بر سنگها و پیمانها و اندازه ها، نظارت در چگونگی پخش و فراهم سازی کالاهای اساسی مردم، به ویژه در خشکسالی و قحطی، تعیین و تثبیت قیمت ها بخشه ایی از صلاحیت حسبه در امور اقتصادی بوده است. پیشینه حسبه با تجربه یک هزار و چهارصد ساله اش بیانگر اهمیت و لزوم آن در اقتصاد جامعه اسلامی است. در خصوص تاریخ تشکیلات امور حسبه به عنوان یک نهاد اجتماعی شواهد دقیقی در دست نیست. (السقطی ۱۴۰۷، ص ۵)

در این جا باید گفت از مطالب فوق اشاره موارد ذیل به ذهن تداعی می شود: ۱. جایگاه امر نظارت و کنترل بازارها و همچنین تعزیر متخلفین اقتصادی در نظام اسلامی. ۲. تفویض اختیار رسیدگی به تخلفات اقتصادی از سوی حاکم اسلامی به دولت. ۳. استقلال این نهاد رسیدگی کننده (حسبه) و جدا و مستقل بودن آن از سایر نهادهای مشابه، مانند دیوان قضا و مظالم. (صباح ابراهیم ۱۳۶۶، ص ۱۱۵ تا ۱۲۱)

۱-۲-۳. موقعیت کنونی تعزیرات حکومتی در نظام قضایی کشور

در سال ۶۷ با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان قانون تعزیرات حکومتی، دادسرای ویژه منحل و با تفکیک رسیدگی به تخلفات اقتصادی در دو بخش دولتی و غیر دولتی، امر رسیدگی در بخش اول به کمیسیون مرکزی تعزیرات و بخش دوم به دادگاههای انقلاب تفویض شد. در این دوره نیز به دلیل ضعف قانون و عدم جامعیت آن و مشغله زیاد مراجع قضایی انقلاب در رسیدگی به دیگر پرونده های مهم در آن زمان، سبب شد تا بار دیگر عرصه اقتصاد و بازار دستخوش سوء استفاده کنندگان و سوداگران قرار گیرد. و از طرفی به دلیل ضعف ضمانت اجرایی قانون و وضع مجازات هایی از قبیل اخذ تعهد کتبی، توبیخ، اخطار و غیره اسباب تجری مجرمین فراهم گردید. در نتیجه مردم که شاهد ضعف قانون و کم توجهی مراجع رسیدگی کننده بودند، رغبتی برای اعلام شکایت نمی دیدند و در نهایت این روند به دوره کاهنده رسیدگی مبدل شد تا اینکه در تاریخ ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ سازمان تعزیرات حکومتی که نمود عزم راسخ نظام در برخورد با وضعیت نابسامان اقتصادی بود تشکیل گردید. این تشکیلات بر اساس ماده واحده قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ۶ تبصره، حیات خود را باز یافت .

قانون تعزیرات حکومتی در تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد. صلاحیت رسیدگی به تخلفات بر عهده تشکیلات و عوامل اجرائی موضوع قرار گرفت یعنی تخلفات بخش دولتی بر عهده کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی مرکب از: ۱- معاون وزیر به عنوان رئیس کمیسیون

۲- نماینده دادستان کل انقلاب ۳- معاون برنامه ریزی وزارت کشور ۴- معاون وزارت اطلاعات ۵- معاون امور مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارائی ۶- مدیر عامل سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان به نمایندگی از وزارت بازرگانی ۷- معاون وزارتخانه ذریعہ گذاشته شد. بخش غیر دولتی زیر نظر ستاد مرکزی تعزیرات حکومتی قرار گرفت که عبارت بودند از: ۱- وزیربازرگانی و رئیس هیئت عالی نظارت به عنوان رئیس ستاد ۲- وزیر کشور ۳- رئیس شورای مرکزی اصناف ۴- نماینده تام الاختیار رئیس عالی کشور

۵- وزیر صنایع ۶- مدیر عامل سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان در مورخ ۵/۲/۱۳۶۹ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخشی دولتی موضوع ماده ۲۴ قانون تعزیرات حکومتی تصویب شد همچنین در ۱۸/۷/۶۹ آئین نامه دیگری راجع به وظائف واحد رسیدگی به شکایات و تجدید نظر در احکام کمیسیون های تعزیرات حکومتی بخش دولتی موضوع تبصره ماده ۲۳ همان قانون به تصویب رسید.

نهایتا در هشتم دی ماه ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب ماده واحد ای اختیارات دولت را در اعمال تعزیرات حکومتی گرفت. با تصویب ماده واحده دیگری در ۱۹/۷/۱۳۷۳ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مجددا کلیه امور تعزیرات حکومتی به دولت واگذار شد. در این وضعیت جدید ۲ سازمان جهت اجرای قانون تعزیرات حکومتی ایجاد شد. ۱- سازمان بازرسی و نظارت به منظور بازرسی و نظارت مستمر بر اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع و تخلفات تعزیرات حکومتی.

۲- سازمان تعزیرات حکومتی به منظور رسیدگی و صدور حکم به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۷/۱۳۷۳ هیات دولت (نماینده ویژه رئیس جمهور) پیش بینی شده بود. چنانچه ذکر شد تعزیرات حکومتی از سال ۱۳۶۷ در ایران نام و عنوان یافت و با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام این امر به قوه مجریه (کمیسیون های مربوطه) محول گردید پس از مدتی از انجام و وظائف کمیسیون های مربوطه نهایتا در تاریخ ۸/۱۰/۶۹ اختیارات دولت در اعمال تعزیرات حکومتی به قوه قضائیه محول گردید.

تا اینکه در تاریخ ۱۹/۷/۱۳۷۳ جهت ایجاد نظم و انسجام در مبارزه با تخلفات اقتصادی بر اساس مصلحت نظام مجمع تشخیص مصلحت با تصویب ماده واحده ای مجددا اختیار تعزیرات حکومتی را از قوه قضائیه گرفت و به قوه مجریه سپرد که با ایجاد ۲ سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی و نظارت از تاریخ این مصوبه ۲ سازمان فوق با شرح وظائف معین در سطح گسترده مشغول انجام وظائف خود طبق قوانین و آئین نامه های مربوطه هستند.

۲- صلاحیت های سازمان تعزیرات

تعریف صلاحیت از لحاظ لغت یعنی شایستگی و اختیار است و در اصطلاح حقوق عبارتست از شایستگی و اختیاری که یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع و انجام وظیفه بر اساس قانون دارا می باشد. بنابراین حدود صلاحیت محاکم به موجب قانون تعیین میشود و هیچ مقرر دیگری غیر از قانون نمی تواند برای یک مرجع ایجاد صلاحیت نماید، زیرا این قواعد آمره بوده و خلاف آن قابل تصور نمیباشد بنابراین مراجع قضائی زمانی از نظر قانون اساسی مشروعیت دارند که به موجب قانون تشکیل شده باشند و حدود صلاحیت آنها نیز باید قانون مشخص کند (نجفی ابرند آبادی ۱۳۷۷، ص ۱۴۱، آشوری، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲). در سیستم حقوقی ایران دادگاههای عمومی صلاحیت عام رسیدگی به همه جرایم را دارند، مگر در مواردی که به موجب قانون خاص صلاحیت رسیدگی به موضوعی معین به مراجع اختصاصی اعطاء شده باشد. به همین جهت افراد یا مراجعی که این قدرت قانونی و صلاحیت به آنها تفویض نشده باشند حق دخالت را ندارند. تعیین صلاحیت از این حیث واجد اهمیت میباشد که حدود اختیارات هر سازمانی بخصوص وقتی که با حدود آزادیها و حقوق اولیه مردم سرو کار دارد باید توسط قانون مشخص شود. پس تشخیص حدود صلاحیت مراجع قضائی از اهمیت به سزائی برخوردار است (گلدوست، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

در خصوص مصادیق صلاحیت خاص میتوان به دادگاه و دادرسی نظامی که بطور خاص صلاحیت رسیدگی به جرائم نظامیان را بر عهده دارند و یا سازمان تعزیرات حکومتی که به موجب قانون صلاحیت رسیدگی به تخلفات مطرحه در قانون را بر عهده دارد اشاره کرد. همانطوریکه گفته شد؛ دادگاههای دادگستری صلاحیت عام رسیدگی به همه جرایم و تخلفات را دارند مگر مواردی که در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار گرفته است. به عبارت دیگر اصل و قاعده اولیه این است که مراجع اصلی و عام رسیدگی به تظلمات و شکایت، دادگستری است «اصل ۱۵۹ قانون اساسی» اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (ولی بطور استثنائی مراجع خاص هم دارای صلاحیتهای محدودتر هستند) خالقی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳. پس باید گفت که سازمان تعزیرات حکومتی از جمله مراجع اختصاصی محسوب میشود که فقط صلاحیت رسیدگی به تخلفاتی را دارد که بطور صریح قانون به این مرجع اعطاء شده است. ۱-۲. صلاحیتهای سازمان تعزیرات حکومتی: ۱-۲-۱. قانون امور بهداشتی و درمانی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: (یاراحمدی، ۱۳۹۰ ص ۱۳۹ الی ۱۵۸)

در این قانون سازمان تعزیرات حکومتی به تخلفاتی از قبیل ایجاد مؤسسه پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت، ایجاد مؤسسه پزشکی توسط افراد متخلف بدون اخذ پروانه، خود دارای بیمارستانها از پذیرش و ارائه خدمات اولیه به بیماران اورژانسی، ایجاد و ارائه خدمات مازاد بر احتیاج به منظور سودجوئی، دخل و تصرف در صورت حساب و دریافت اضافه از نرخهای اعلام شده، بکارگیری متخصصین و صاحبان حرفه پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوز قانون کار، اشتغال بکار صاحبان حرفه پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوز قانون کار، بکارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفهای در مؤسسات پزشکی، ترک مؤسسه پزشکی توسط مسئول فنی در ساعات مقرر، تعطیل غیر موجه مطب و یا مؤسسه پزشکی بدون اطلاع نظام پزشکی، نپذیرفتن بیماران بیمه‌ای، ورود و عرضه دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت، تأسیس داروخانه بدون اخذ پروانه، اداره داروخانه بدون حضور مسئول فنی، عدم

حضور مسئول فنی داروخانه در ساعات مقرر، تهیه و تدارک دارو از منابع غیر مجاز، ارائه دارو بدون نسخه پزشک، افزایش نرخ رسمی دارو گرانفروشی، عدم درج قیمت دارو در نسخه پزشک، نگهداری و عرضه و فروش داروهای تاریخ مصرف گذشته، عرضه و فروش اقالم غیر متعارف در داروخانه، خودداری از عرضه دارو، خودداری داروخانه از ارائه خدمات در ساعات مقرر قانونی، عرضه خارجی از شبکه ملزومات پزشکی، عرضه خارج از شبکه قانونی شیر خشک و افزایش نرخ رسمی ملزومات پزشکی. موارد احصاء شده از صلاحیت های ذاتی سازمان تعزیرات و در شعبات سازمان مورد رسیدگی قرار میگیرند. (زینالی، ۱۳۸۳، ۲-۵)

۲-۱- قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام .
در این قانون قبل از قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی به کلیه تخلفات صنفی و غیر صنفی و تخلفهای سازمان های دولتی رسیدگی مینمود لیکن با تصویب قانون مذکور فقط سازمان به تخلفات غیر صنفی و سازمانها رسیدگی مینمود که صلاحیت سازمان در این قانون عبارتند از گرانفروشی، کمفروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، عدم سبب قیمت، عدم صدور فاکتور فروش، فروش اجباری، عرضه خارج از شبکه، خرید بر خلاف ضوابط و مقررات توزیع، نداشتن پروانه بهرهبرداری، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبلاً دریافت ارز و خدمات دولتی، فروش ارزی، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، عدم اعلام موجودی کالا، و غیره و در فصل دوم همین قانون چنانچه در بخشهای دولتی همین تخلفات صورت گیرد سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است که به ماده ۱۸ و در سه بند الف، ب و ج معروف است .

۲-۲- قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی .
در این قانون مدتی صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در بخش اصناف را سلب نموده و توسط هیأتی شامل نماینده دادگستری، مجمع امور صنفی و اداره صنعت، معدن و تجارت پروندهای تشکیل شده را رسیدگی مینمود که بعلت ناکارآمد بودن مجدداً در قانون حمایت از حقوق مصرفکنندگان مصوب ۱۵/۷/۸۸ به موجب ماده ۲۲ آن قانون صلاحیت رسیدگی را به سازمان تعزیرات حکومتی تجویز نموده است که موارد آن عبارتند از گرانفروشی، عدم درج قیمت، عدم صدور فاکتور فروش، احتکار، کمفروشی، عرضه خارج از شبکه، عدم اجرای ضوابط قیمتگذاری و توزیع، فروش اجباری، تبلیغ خلاف واقع، عدم رعایت دستورالعملهای بهداشتی، تعطیلی غیر موجه، نداشتن صندوق مکانیزه فروش و یا دستگاه توزین دیجیتالی و مجازات احصاء شده است .

۲-۳- قانون حمایت از حقوق مصرفکنندگان مصوب ۱۵/۷/۸۸
این قانون برای موارد عرضه و فروش کالا یا خدمات معیوب ماده ۱۸، نداشتن کالای دارای ضمانتنامه «بند ۳-۱»

ماده ۳ «نداشتن نمایندگی رسمی و تعمیر قطعات یدکی و ارائه سرویس قطعات بعد از فروش» ماده ۴ «الصاق برچسب روی کالا و خدمات» ماده ۵ «اعلام اطلاعات کامل در خصوص انجام کار و ارائه خدمات» ماده ۶ «تبلیغ خلاف واقع» ماده ۷ «هرگونه تبانی و تحمیل شرایط از سوی عرضهکنندگان کالا»

و خدمات که موجب کاهش عرضه یا پائین آوردن کیفیت یا افزایش قیمت شود «ماده ۸» و غیره مجازات تعیین نموده است.

ث: قانون اصلاح نظام صنفی کشور مصوب ۱۲/۶/۹۲ مجلس شورای اسلامی این قانون در راستای اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که علاوه بر تخلفهای احصاء شده در قانون نظام صنفی مذکور که در آن چند عنوان دیگری که قبلاً از لحاظ صنفی تخلف نبوده یا در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی نبوده است عنوان تخلف بخود گرفته اند. تفاوتی که قانون نظام صنفی با قانون اصلاح نظام صنفی دارد اینست که قانون نظام صنفی مرجع رسیدگی آن عبارتند از هیأتی که متشکل از نمایندگان دادگستری، مجمع امور صنفی «اطاق اصناف فعلی» و اداره صنعت، معدن و تجارت که پروندهها توسط این هیأت مورد رسیدگی قرار می گرفتند اما با تصویب قانون حمایت از حقوق مصرفکنندگان مصوب ۱۵/۷/۸۸ مرجع رسیدگی کننده به موجب ماده ۲۲ از همان قانون از هیأت ها به سازمان تعزیرات حکومتی تغییر شکل داده است ولی اکنون با تصویب قانون اصلاح نظام صنفی کلیه تخلف ها باید در سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی شود ولی یک استثناء وجود دارد آن اینست که ۵ مورد تخلف که عبارتند از: ۱- گرانفروشی، ۲- کمفروشی، ۳- تقلب، ۴- احتکار، ۵- عدم اعلام موجودی کالا که ارزش ریالی آنها بیش از سه میلیون ۳۰۰۰۰۰۰ ریال باشد در سازمان تعزیرات حکومتی با عضویت رئیس شعبه رسیدگی کننده تعزیرات حکومتی، نماینده اداره صنعت، معدن و تجارت و نماینده اطاق اصناف باشد رسیدگی میشوند البته در سایر موارد که قبلاً نام برده شده است حضور نمایندگان اطاق اصناف و اداره صنعت، معدن و تجارت بالمانع اعلام شده است. حال تخلفاتی که در قانون مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی میباشند عبارتند از تبلیغ خلاف واقع برای افراد صنفی فاقد پروانه کسب، تبلیغ رسانهها، چاپخانه ها و غیره بدون مطالبه پروانه کسب متقاضی، نداشتن پروانه کسب زمانی منجر به مجازات نقدی میشود که موجب عسر و حرج مصرف کنندگان شود واحد صنفی رفع پلمپ و مجازات نقدی اعمال میشود، عدم انجام خدمات پس از فروش در دوره ضمانت «گارانتی»، عرضه، نگهداری به قصد فروش کالا بدون علامت استاندارد ایران و ارائه خدمات بدون تأیید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، فروش کالای تاریخ مصرف گذشته، عدم ارائه فاکتور خرید و غیره لازم به توضیح است در قانون اصلاح نظام صنفی مصوب ۱۲/۶/۹۲ مجلس شورای اسلامی یک مورد از مواردی که تخلف آن چهار برابر ارزش کالا یا مابه التفاوت آن بوده است کاسته و آن مورد تقلب است زیرا در قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی افراد صنفی که مرتکب تقلب میشدند علاوه بر خسارت شاکی میبایست چهار برابر جریمه پرداخت نمایند مثلاً اگر فرد صنفی کالای به ارزش ده میلیون ریال تحت عنوان تقلب عرضه میکرد شعبات رسیدگی کننده سازمان تعزیرات حکومتی مستنداً به بند الف ماده ۵۹ از قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی متخلف را به پرداخت چهل ۴۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال جزای نقدی به نفع صندوق دولت و پردات ده میلیون ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال در حق شاکی خصوصی محکوم مینمودند اما در قانون اصلاح نظام صنفی مصوب ۱۲/۶/۸۲ مجلس شورای اسلامی مجازات متخلف تقلیل پیدا کرده است با همان مثلاً متخلف به پرداخت مبلغ بیست میلیون ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی به نفع صندوق

دولت و پرداخت ده میلیون ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال در حق شاکی خصوصی محکوم میشود. و بعضی تخلفات دیگر از قبیل گرانفروشی، مجازات آن تشدید شده است زیرا در قانون نظام صنفی فقط معادل مبلغ گرانفروشی به نفع دولت متخلف محکومیت مییافت لیکن در قانون اصلاح نظام صنفی دو برابر میزان گرانفروشی به نفع صندوق دولت علاوه بر پرداخت شاکی خصوصی محکوم میشوند. در ضمن برای یک مورد تخلف تعیین شده است اما در قانون اصلاح نظام صنفی به موجب ماده ۴۷ از همان قانون تبصره‌های ماده ۷۱ قانون نظام صنفی را اصلاح و مجازاتی احصاء نشده است) ماده ۴۷ از قانون اصلاح نظام صنفی مصوب ۱۲/۶/۹۲ ماده ۷۱ قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی و تبصره‌های آن به شرح ذیل اصلاح میگردد: ماده ۷۱ به منظور تسهیل داد و ستد، ثبت و مستند سازی، نظارت بر قیمت‌ها و شفافیت در مبادلت اقتصادی، افراد صنفی عرضه‌کنندگان یا خدمات مکلفند مطابق اولویت بندی مشاغل که هر سال اعلام میشود از سامانه صندوق مکانیزه فروش استفاده نمایند. معادل هزینه‌های انجام شده بابت خرید، نصب و راهاندازی دستگاه صندوق فروش اعم از سختافزاری و نرمافزاری توسط صاحبان مشاغل مذکور از صندوق فروش در هر سال، موجب محرومیت از معافتهای مالیاتی مقرر در قانون برای سال مربوط میشود.

۲-۴- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۳/۱۰/۹۲ مجلس شورای اسلامی این قانون طی لایحه ای از سوی هیأت محترم دولت وقت تهیه و در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی به مجلس شورای اسلامی تسلیم و در همان سال دو فوریت آن به تصویب رسید و جهت اقدام قانونی به کمیسیون اقتصاد مجلس ارسال و مدتی روی آن کار شد و به صحن علنی مجلس وارد و به تصویب رسید جهت تایید به شورای محترم نگهبان ارسال شورای نگهبان ایرادات فراوانی هم از لحاظ شرعی و قانونی بر آن وارد دانسته از جمله ایرادات شورای محترم نگهبان این بود که لایحه قضائی است باید ریاست محترم قوه قضائیه نظر خود را اعلام دارد لایحه قوه قضائیه ارسال، قوه قضائیه نظر خود را اعلام و مجلس شورای اسلامی آنرا تصویب، مجدداً به شورای نگهبان ارسال، شورای محترم نگهبان مجدداً بر آن ایراد گرفته باز هم به مجلس ارسال، مجلس شورای اسلامی نظر به ضرورت در اسرع وقت نسبت به رفع ایرادات اقدام، سپس به شورای نگهبان ارسال گردید تا اینکه شورای محترم نگهبان طی نامه شماره ۴۶۸/۵/۳۰/۹۲ مورخه ۱۳/۹/۹۲ تقریباً دو ایراد جزئی را مطرح کرده و مجدداً به مجلس اعاده نموده مجلس شورای اسلامی در وقت فوقالعاده ایرادات را مرتفع و نهایتاً در تاریخ سوم دی ماه سال نود و دو ۳/۱۰/۹۲ تصویب و شورای محترم نگهبان آنرا در تاریخ ۱۸/۱۰/۹۲ تأیید و در تاریخ ۷/۱۲/۹۲ قطعی و لازم الاجرا گردیده است.

در این لایحه بر خلاف قوانین گذشته در بحث قاچاق کالا و ارز صلاحیت رسیدگی اولیه به موجب ماده (۴۴) ماده ۴۴ قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۳/۱۰/۹۲: «رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. چنانچه پرونده ای متهمین متعدد داشته و رسیدگی به اتهام یکی از آنان در صلاحیت مرجع قضائی باشد، به اتهامات سایر اشخاص

نیز در این مرجع رسیدگی میشود» (قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۳/۱۰/۹۲ به سازمان تعزیرات حکومتی محول نموده است. در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۷۴ مجمع تشخیص نظام صلاحیت ثانویه برای سازمان تعزیرات حکومتی احصاء شده بود مثلاً اگر دادگاه‌ها ظرف یکماه به پرونده رسیدگی ننموده باشند در راستای تبصره ۲ ماده ۴ آن قانون سازمان شاکی در خواست ارسال پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی را می نمود ولی اکنون این موضوع منتفی شده و رسیدگی اولیه با سازمان تعزیرات حکومتی است. در قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز در این برهه از زمان قانون جامع و مانعی است و در حد توان میتوان با قاچاقچیان کالا و ارز مبارزه جدی نمود و از طرفی یک سری از مشکلات سابق را از قبیل ورود دیوان عدالت اداری به پروندههای قاچاق کالا و ارز اصدار یافته از سوی سازمان تعزیرات حکومتی را مرتفع نموده و دیگر دیوان عدالت اداری حق ورود را به پروندههای قاچاق کالا و ارز را به موجب تبصره ۲) تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز «آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پروندههای قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نیست» (ماده ۵۰ مصوب ۳/۱۰/۹۲ را ندارد. البته مزایای بسیار زیاد دیگری در این قانون آمده است از جمله رسیدگی به تخلفات رؤسای شعب قاچاق کالا و ارز در دادگاه کیفری مرکز «تهران»، در صورتیکه از سوی شعبات تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی آراء متفاوت صادر شود وزیر دادگستری یا رئیس سازمان تعزیرات حکومتی می توانند درخواست خود را جهت ایجاد وحدت رویه به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارسال نمایند. اختیارات رؤسای شعب قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی را برابر اختیارات مراجع قضائی در نظر گرفته، پرونده های بالای بیست میلیون ریال را قابل تجدیدنظر دانسته ولی در سابق پرونده با هر میزان محکومیت قطعی تلقی میشد. میزان فوق العاده ویژه مستمر رؤسای شعب رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز در نظر گرفته شده است و رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی دغدغه اقتصادی کمتری دارند و غیره .

۲-۵- اصلاحیه والحقاقی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۲۱/۷/۹۴ مجلس شورای اسلامی که در این قانون برخی از مواد قانون قاچاق کالا و ارز مصوب ۳/۱۰/۹۲ مجلس شورای اسلامی اصلاح و برخی مواد نیز به آن الحاق شده است .

نتیجه گیری

کنترل و نظارت و رسیدگی به تخلفات اقتصادی از ضرورت‌هایی است که حکومتها از زمانهای گذشته تا کنون همواره به آن توجه داشته اند چه قبل از اسلام و چه در صدر اسلام و بعد از آن قوانینی وضع شده است که رسیدگی به آنها جدا از امر قضا بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با توجه به بحرانی که در اثر تغییر حکومت در کشور بوجود آمده بود ضرورت مقابله با سوءاستفاده کنندگان اقتصادی، شورای انقلاب مبادرت به تنظیم تدوین قانون نظام صنفی نمود و به علت عدم موفقیت ستاد مبارزه با گرانفروشان تشکیل شد اما این ستاد نیز نتوانست وضعیت اقتصادی کشور را سامان بخشد و بعد از آن رسیدگی به قوه قضائیه سپرده شد و دادرسی ویژه امور صنفی تشکیل گردید. اما شرایط بحرانی کشور و درگیری باجنگ و بسیاری از مسائل دیگر دادرسی ویژه امور صنفی انحلال و به فرمان حضرت

امام (ره) مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۳/۱۲/۶۷ قانون تعزیرات حکومتی را تصویب و سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۷۳ سازمان تعزیرات حکومتی که مظهر انسجام، اقتدار و تدبیر حکیمانه نظام مقدس اسلامی در برخورد با وضعیت نابسامان اقتصادی بود تشکیل و بنابر ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و تبصره ۶، مبارزه نوین تکامل یافته تری با تخلفات اقتصادی و در جهت دفاع از حقوق مصرف کننده، تولید کننده و حریم عدالت اجتماعی و سلامت اقتصادی شکل گرفت. از آن زمان تاکنون سازمان با چالشهای فراوانی روبرو بوده است اما مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخهای ۱۵/۷/۸۸ و ۱۲/۶/۹۲ و ۳/۱۰/۹۲ و ۲۱/۷/۹۴ صلاحیت رسیدگی به اصناف و بازار و امور صنفی و تخلفات قاچاق کالا و ارز را به این سازمان داده است.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم
۲. ابن تیمیه، احمد، سال انتشار ۱۳۵۴، الحسبه فی السالم، انتشارات میزان چاپ دوم، ص ۴۳
۳. آسوری کرمانی، مهدی قلی، سال انتشار ۱۳۳۶، تاریخچه مجازات و اقسام آن در ایران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران ص ۲۲
۴. آشوری، محمد، سال انتشار ۱۳۶۶، آئین دادرسی کیفری، انتشارات بیت العدل، جلد اول، چاپ اول، ص ۱۸۲
۵. آنسل، مارک، سال انتشار ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ارند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ص ۱۰۵
۶. خالقی، علی، سال انتشار شهریور ۱۳۸۹، آئین دادرسی کیفری، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشی های حقوقی، چاپ پنجم، ص ۲۸۳
۷. دعائم الاسلام، سال انتشار ۱۳۴۶، کتاب آداب القضاة، انتشارات، دانشنامه اسلامی چاپ اول، حدیث ۱۹۱۳
۸. دکتر حسن ابراهیم، حسن، سال انتشار ۱۳۷۶، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم، پاینده، ج ۲، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ص ۲۵۹
۹. راغب، اصفهانی، سال انتشار ۱۳۸۱، مجمع نودات الفاظ قرآن، انتشارات کتابخانه مرتضوی تهران چاپ اول ص ۱۱۷
۱۰. راوندی، مرتضی، سال انتشار ۱۳۶۷، تاریخ حقوق جزای ایران و سیر تکاملی آن، بابل، انتشارات نشر چشمه ص ۲۲
۱۱. زینالی، امیر حمزه و احمدی، علی مقاله با عنوان سازمان تعزیرات حکومتی از قضاذایی تا کیفر زدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه دیدگان، مجله حقوقی دادگستری شماره های ۴۷ و ۴۸ پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ص ۲۲۷ الی ۲۴۸

۱۲. ساکت ، محمد، سال انتشار ۱۳۷۵، نهاد دادرسی در اسلام، انتشارات بوستان کتاب چاپ سوم ص ۳۳
۱۳. السقطی، ابو‌عبدالله، سال انتشار ، ۱۴۰۷ ق = ۱۹۸۷ م ، فی آداب الحسبه، انتشارات موسسه دار الفکر الحدیث بیروت ، چاپ دوم ص ۵ .
۱۴. سنن ترمذی ۲/۳۸۹، سال انتشار ۱۳۶۹ ایوب بیوع، باب ۷۲، حدیث ۱۳۲۹ انتشارات جنگل چاپ دوم ص ۲۸۹
۱۵. صباح ابراهیم، سعد الشیخلی، سال انتشار ۱۳۶۶، اصناف در عصر عباسی، ترجمه دکتر عالم زاده، هادی ، انتشارات تهران هما، چاپ سوم ، ص ۱۱۵ تا ۱۲۱ .
۱۶. طوسی، خواجه نظام الملک، سال انتشار۱۳۴۷، سیاست نامه، تصحیح ، شعار، جعفر، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳، ص ۵۱ و ۵۲
۱۷. عجالنی ، منیر، سال انتشار ۱۳۶۷ عقریه السالم، بیروت ، دارانفائس انتشارات بی تا ، چاپ دوم ص ۲۸۹
۱۸. عسگری عیسی آبادی، یونس، یوسف زاده، علی، حقوق شاکی و متهم در قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، ۱۳۹۴
۱۹. علی آبادی، عبدالحسین، سال انتشار ۱۳۸۵، حقوق جنائی، ج ۲ ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ دوم، ص ۱۱۳
۲۰. فلور ، پلیس بازار در دوره قاجار ، سال انتشار ۱۳۶۵، مجموعه جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات نشر مرکز تهران چاپ اول ص ۱۹۲
۲۱. قاضی ، ابوالفضل ، سال انتشار ، ۱۳۷۹، گفتارهایی در حقوق عمومی ، انتشارات میزان، چاپ چهارم، ص ۱۹۰
۲۲. قاضی ، ابوالفضل، سال انتشار ۱۳۴۵، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، انتشارات میزان، چاپ اول ص ۳۴۵ و ۳۴۶
۲۳. کریستسین ، آرتور، سال انتشار ۱۳۵۱، ایران در زمان ساسانیان، انتشارات ابن سینا تهران چاپ دوم ص ۱۹۲
۲۴. گسن، ریموند جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی، کی نیا ، سال انتشار ۱۳۷۰، تهران ، انتشارات چاپخانه عالمه طباطبائی ص ۲۱.
۲۵. گلدوست، جویباری ، سال انتشار، ۱۳۸۶-۸۷، جزوه آئین دادرسی کیفری ، انتشاران دانشگاه شهید بهشتی، ص ۴۶
۲۶. مشایخی، قدرت اله، سال انتشار ۱۳۸۵، حسیه با نظارت بر سلامت اجرایی قانون، انتشارات آینه پژوهش ، چاپ دوم ص ۳۶
۲۷. مطهری ، مرتضی ، سال انتشار ۱۳۷۰، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا) با اجازه شورای نظارت بر نشر انتشار استاد شهید (، چاپ اول، ص ۷ جلد اول

۲۸. مهرپور، حسین، سال انتشار پائیز و زمستان ۱۳۶۸، سرگذشت تعزیرات : نگرشی بر سیر قانونگذاری تعزیرات در جمهوری اسلامی ایران، کانون وکال شماره ۱۴۸-۱۴۹ ص ۶۷-۱۳
۲۹. مهرپور، حسین، سال انتشار ۱۳۶۵، مجموعه نظریات نگهبان، ج ۳، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ص ۲۸۱
۳۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید، هاشم بیگی، سال انتشار ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ص ۱۴۱
۳۱. هاشمی، سید محمد، سال انتشار ۱۳۴۷، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، ج ۲، انتشارات حق گستر چاپ اول، ص ۴۴۶
۳۲. یاراحمدی، علی حسین مقاله باعنوان نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و جایگاه آن در تحقق سیاست های کلی اصل ۴۴، مجله تخصصی حقوق، شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ص ۱۳۹ الی ۱۵۸